

محمد تیجانی سماوی


بسم الله الرحمن الرحیم

پرتوی از سیره و سیمای امام محمد باقر علیه السلام

نویسنده:

مسعود شفیعی کیا

ناشر چاپی:

محمد تیجانی سماوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرتوی از سیره و سیمای امام محمد باقر

مشخصات کتاب

مؤلف: محمد تیجانی سماوی

زندگینامه

حضرت امام محمّـد باقر(علیه السـلام) اوّل ماه رجب، یا سوم صـفر سال ۵۷ هجری قمری در مـدینه متولّـد گردید. پدر بزرگوارش، حضـرت علی بن الحسـین، زین العابـدین(علیه السـلام)، و مادر مکرّمه اش، فاطمه معروف به «امّ عبـدالله» دختر امام حسن مجتبی می باشـد. از این رو، آن حضـرت از نـاحیه ی پـدر و مادر به بنی هاشم منسوب است. شـهادت امام باقر(علیه السـلام) در روز دوشـنبه ۷ ذیحجّه سال ۱۱۴ هجری قمری در ۵۷ سالگی، به دسـتور هشام بن عبدالملک خلیفه اموی، به وسیله خوراندن سمّ، اتّفاق افتاد و مزار شریفش در مـدینه در قبرسـتان بقیع می باشـد. آن حضـرت یکی از اطفال اسیر فاجعه ی کربلا می باشـد که در آن وقت سه سال و شش مـاه و ده روز از سنّ مبـارکش گذشـته بود. حضـرت باقر(علیه السـلام) به علم و دانش و فضـیلت و تقوا معروف بود و پیوسـته مرجع حـلّ مشـکلات علمی مسـلمانان به شـمار می رفت. وجود امام محمّـد باقر(علیه السـلام) مقـدّمه ای بود برای اقـدام به وظایف دگرگون سازی امّت. زیرا مردم، او را نشانه های فرزند کسانی می شناختند که جان خود را فدا کردند تا موج انحراف ـ که نزدیک بود نشـانه هـای اسـلام را از میـان ببرد ـ متوقّف گردد. آنان از این رو قربانی شدنـد تا مسـلمانان بداننـد که حکّامی که به نام اسـلام حکومت می کنند، از تطبیق اسـلام با واقعیت آن به اندازه ای دوراند که مفاهیم کتاب خدا و سنّت رسول اکرم(صـلی الله علیه وآله وسـلم) در یک طرف قرار دارد و آن حاکمان منحرف در طرف دیگر. امام باقر(علیه السلام) بر آن شد تا انحراف حاکمان و دوری آنان از حقایق اسـلام را به مردم بفهماند و برای مسلمانان آشکار سازد که چنان اموری تحقّق یافته است. هشام بن عبدالملک خلیفه نابکار اموی وقتی به امام(علیه السـلام) اشارت می کند و می پرسد که این شـخص کیست؟ به او می گویند او کسـی است که مردم کوفه شـیفته و مفتون اویند. این شخص، امام عراق است. در موسم حجّ، از عراق و خراسان و دیگر شهرها، هزاران مسلمان از او فتوا می خواسـتند و از هرباب از معارف اسـلام از او می پرسـیدند. این امر اندازه نفوذ وسیع او را در قلوب توده های مردم نشان می داد. از سوی فقیهان بزرگ که وابسـته به حوزه های فکری و علمی بودند، مسائل دشوار در محضـر او مطرح می شد و گفتگوهای بسیار با امام به عمل می آمـد، از او پاسـخ می خواسـتند تا امام را در تنگنا قرار دهنـد و در مقابل مردم او را به خاموشـی وادارند، ولی آن حضـرت بـا پاسـخ هـای قانع کننـده و مسـتدلّ و محکم خود آنان را به اعجاب وامی داشت. حوزه علمی او برای صـدها دانشـمند و محدّث که تربیت کرده بود پایگاهی مهّم به شمار می آمد. جابر جعفی گوید: «ابوجعفر هفتاد هزار حدیث برای من روایت کرد.» و محمّد بن مسلم گوید: «هر مسئله که در نظرم دشوار می نمود از ابوجعفر(علیه السلام) می پرسیدم تا جایی که سی هزار حدیث از او سؤال کردم.»امام باقر(علیه السـلام) شـیعیان خود را چنین وصف می کنـد:«همانا شـیعه ما، شـیعه علی، با دست و دل گشاده و از سـر گشاده دستی و بی ریایی از ما طرفـداری می کنند و برای زنده نگاه داشـتن دین، متّحد و پشتیبان ما هسـتند. اگر خشـمگین گردند، ستم نمی کننـد و اگر خرسـند باشـند از انـدازه نمی گذرند. برای آن کس که همسایه ی آنان باشد برکت دارند و با هر کس که با آنان مخالف باشد طریق مسالمت پیش می گیرند. و شیعه ما اطاعت خدا می کند.»

امام باقر و خلفای جور

امام باقر(علیه السلام) با پنج خلیفه از خلفای بنی امیّه معاصر بود که عبارتند از:۱ـ ولید بن عبدالملک ۲ـ سلیمان بن عبدالملک ۳ـ عمر بن عبدالعزیز ۴ـ یزید بن عبدالملک ۵ـ هشام بن عبدالملک. و همه آنان جز عمر بن عبدالعزیز در ستمگری و استبداد و خودکامگی دست کمی از نیاکان خود نداشتند و پیوسته برای امام باقر(علیه السلام)مشکلاتی فراهم می نمودند. ولی در عین حال، او از طریق تعلیم و تربیت، جنبشی علمی به وجود آورد و مقدّمات تأسیس یک مرکز علمی اسلامی را در دوران امامت خود پی ریزی کرد که در زمان فرزند بزرگوارش امام جعفر صادق(علیه السلام) به نتیجه کامل رسید. روش کار پیشوایان ما به ویژه امام سجّاد و امام باقر(علیهم السلام) که در اوضاع فشار و خفقان به سر می بردند به شیوه مخفی و زیرزمینی بود، شیوه ای که موجب می شد کسی از کارهای آنان مطّلع نشود. همین کارهای پنهانی، گاهی که آشکار می شد، خلفا را سخت عصبانی می نمود در نتیجه، وسایل تبعید و زندانی آنها فراهم می شد. سرانجام، امام باقر(علیه السلام) که پیوسته مورد خشم و غضب خلیفه وقت، هشام بن عبدالملک بود، به وسیله ی ایادی او مسموم شد و در سال ۱۱۴ هجری به شهادت رسید. جنازه آن بزرگوار، کنار قبر پدر بزرگوارش، در قبرستان بقیع، به خاک سپرده شد.

فضل و دانش امام باقر

امام محمّدباقر(علیه السلام) در دوران امامت خود، به نشر و پخش معارف دین به ویژه فقه و احکام اسلامی پرداخت و ضمن حلّ مشکلات علمی به تعلیم و تربیت شاگردانی فاضل و آگاه مانند: محمّد بن مسلم، زرارهٔ بن اعین، ابونصیر، هشام بن سالم و جابر بن یزید و حمران بن اعین و بُرید بن معاویه عجلی، همّت گماشت. آن حضرت در فضل و فضیلت، زهد و تقوا، اخلاق و معاشرت، سر آمد بزرگان بنی هاشم در عصر خود بود. آوازه علوم و دانش او چنان اطراف و اکناف پیچیده بود که ملقّب به باقرالعلوم ؛یعنی شکافنده دانش ها گردید. یکی از علمای بزرگ سنّی به نام ابن حجر هیتمی درباره ی او می نویسد:«محمّد باقر به اندازه ای گنج های پنهان معارف و دانش ها را آشکار ساخته، حقایق احکام و حکمت ها و لطایف دانشها را بیان نموده که جز بر عناصر بی بصیرت یا بد سیرت پوشیده نیست و از همین جاست که وی را شکافنده دانش و جامع علوم و برافروزنده پرچم دانش خوانده اند.»عبدالله بن عطا یکی از شخصیّت های علمی زمان امام، می گوید:«من هرگز دانشمندان اسلام را در هیچ محفل و مجمعی به اندازه محفل محمّد بن علی(علیه السلام) از نظر علمی حقیر و کوچک ندیدم.»امام باقر(علیه السلام) در سخنان خود، اغلب به آیات قرآن کریم استناد می نموده و از کلام خدا شاهد می آورده و فرموده است: «هر مطلبی را گفتم، از من بپرسید که در کجای قرآن است تا آیه ی مربوط به آن موضوع را معرّفی کنم.»

امام و مسابقه تیراندازی

هشام بن عبدالملک تصمیم گرفت امام باقر را به مسابقه تیراندازی فرا خواند تا به واسطه ی شکست او در مسابقه، امام را در نظر مردم حقیر و کوچک جلوه دهد! به همین جهت پیش از ورود امام(علیه السلام) به قصر خلافت، عدّه ای از درباریان را واداشت نشانه ای نصب کرده مشغول تیراندازی گردند. امام باقر وارد مجلس شد و اندکی نشست. ناگهان هشام رو به امام کرد و گفت: آیا مایلید در مسابقه تیراندازی شرکت نمایید؟ حضرت فرمود: من دیگر پیر شده ام و وقت تیراندازی ام گذشته است، مرا معذور دار. هشام که خیال می کرد فرصت خوبی به دست آورده و امام باقر را با شکست مواجه ساخته است، اصرار و پافشاری کرد و وی را سوگند داد و همزمان به یکی از بزرگان بنی امیّه اشاره کرد که تیر و کمان خود را به آن حضرت بدهد. امام(علیه السلام) دست برد و کمان را گرفت و تیری در چلّه کمان نهاد و نشانه گیری کرد و تیر را درست به قلبِ هدف زد! آن گاه تیر دوم را به کمان گذاشت و رها کرد و این بار تیر در چوبه تیر قبلی نشست و آن را شکافت! تیر سوم نیز به تیر دوم اصابت کرد و به همین ترتیب نُه

تیر پرتاب نمود که هر کدام به چوبه ی تیرِ قبلی خورد!این عمل شگفت انگیز، حاضران را به شدّت تحت تأثیر قرار داده، اعجاب و تحسین همه را برانگیخت. هشام که حساب هایش غلط از آب درآمده و نقشه اش نقش بر آب شده بود، سخت تحت تأثیر قرار گرفت و بی اختیار گفت: آفرین بر تو ای اباجعفر! تو سر آمد تیر اندازان عرب و عجم هستی، چگونه می گفتی پیر شده ام؟! آن گاه سر به زیر افکند و لحظه ای به فکر فرو رفت. سپس امام باقر و فرزند برومندش امام صادق(علیه السلام) را در جایگاه مخصوص کنار خود جای داد و فوق العاده تجلیل و احترام کرد و رو به امام کرد و گفت: قریش از پرتو وجود تو شایسته سروری بر عرب و عجم است. این تیراندازی را چه کسی به تو یاد داده است و در چه مدّتی آن را فرا گرفته ای؟ حضرت فرمود: می دانی که اهل مدینه به این کار عادت دارند، من نیز در ایّام جوانی مدّتی به این کار سرگرم بودم ولی بعد آن را رها کردم، امروز چون تو اصرار کردی ناگزیر پذیرفتم. هشام گفت: آیا جعفر نیز مانند تو در تیراندازی مهارت دارد؟ امام فرمود: ما خاندان، اکمال دین و اتمام نعمت را که در آیه «أَلْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ» آمده از یکدیگر به ارث می بریم و هرگز زمین از چنین افرادی خالی نمی ماند. اینک در میان سخنان اخلاقی و تربیتی آن امام معصوم، چهل حدیث برگزیده راکه هر کدام رهنمودی پربها در جهت تعالی اخلاق و نزدیک شدن به خداست به جویندگانِ مکتبِ آن امامِ هُمام تقدیم می دارم.

چهل حدیث

اشاره

قالَ الْإمامُ الْباقِرُ(علیه السلام):

نافرجام و خوش انجام

«فَلَرُبَّ حَریص عَلی أَمْر مِنْ أُمُورِ الدُّنْیا قَدْ نالَهُ، فَلَمّا نالَهُ کانَ عَلَیْهِ وَبالاً وَشَقِیَ بِهِ وَلَرُبَّ کارِه لِاَمْر مِنْأُمُورِ الْاخِرَةِ قَدْ نالَهُ فَسَعِدَ بِهِ.»: چه بسا حریصی بر امری از امور دنیا دست یافته و چون بدان رسیده باعث نافرجامی و بدبختی او گردیده است، و چه بسا کسی که برای امری از امور آخرت کراهت داشته و بدان رسیده، ولی به وسیله آن سعادتمند گردیده است.

بهترین فضیلت و برترین جهاد

«لا فَضیلَةَ کَالْجِهادِ، وَ لا جِهادَ کَمُجاهَدَةِ الْهَوی.»: فضیلتی چون جهاد نیست، و جهادی چون مبارزه با هوای نفس نیست.

استقامت بزرگ

«أُوصیکَ بِخَمْس: إنْ ظُلِمْتَ فَلا تَظْلِمْ وَ إِنْ خانُوکَ فَلا تَخُنْ، وَ إِنْ کُذِّبْتَ فَلا تَغْضَبْ، وَ إِنْ مُدِحْتَ فَلا تَفْرَحْ وَ إِنْ ذُمِمْتَ فَلا تَجْزَعْ.»: تو را به پنج چیز سفارش می کنم:۱ـ اگر مورد ستم واقع شدی ستم مکن،۲ـ اگر به تو خیانت کردند، خیانت مکن،۳ـ اگر تکذیب کردند، خشمگین مشو،۴ـ اگر مدحت کنند، شاد مشو،۵ـ و اگر نکوهشت کنند بیتابی مکن.

پذیرش سخن پاک

«خُذُوا الْکَلِمَةَ الطَّیِّبَةَ مِمَّنْ قالَها وَ إِنْ لَمْ یَعْمَلْ بِها.»: سخن طیّب و پاکیزه را از هر که گفت بگیرید، اگرچه او خود، بدان عمل نکند.

زیبایی حلم با علم

«ماشیبَ شَیْءٌ بِشَیْء أَحْسَنَ مِنْ حِلْم بِعِلْم.»: چیزی با چیزی نیامیزد که بهتر از حلم با علم باشد.

کمال جامع انسانی

«أَلْکَمالُ کُلُّ الْکَمالِ أَلتَّفَقُّهُ فِی الدّینِ وَ الصَّبْرُ عَلَی النّائِبَةِ وَ تَقْدیرُ الْمَعیشَةِ.»: همه ی کمال در سه چیز است: ۱ـ فهم عمیق در دین، ۲ـ صبر بر مصیبت و ناگواری، ۳ـ و اندازه گیری خرج زندگانی.

سه خصلت نیکو

«ثَلاثَةٌ مِنْ مَکارِمِ الدُّنْیا وَ الاْخِرَةِ: أَنْ تَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَکَ، وَ تَصِلَ مَنْ قَطَعَکَ، وَ تَحْلُمَ إذا جُهِلَ عَلَیْکَ.»: سه چیز از مکارم دنیا و آخرت است:۱ـ گذشت کنی از کسی که به تو ستم کرده است،۲ـ بپیوندی به کسی که از تو بریده است،۳ـ و بردباری ورزی در وقتی که با تو به نادانی برخورد شود.

اصرار در دعا

«إِنَّ اللّهَ کَرِهَ إِلْحاحَ النّاسِ بَعْضِهِمْ عَلی بَعْض فِی الْمَسْأَلَةِ وَ أَحَبَّ ذلِکَ لِنَفْسِهِ، إِنَّ اللّهَ جَلَّ ذِکْرُهُ یُحِبُّ أنْ یُسْأَلَ وَ یُطْلَبَ ما عِنْدَهُ.»: خدا را بد آید که مردم در خواهش از یکدیگر اصرار ورزند، ولی اصرار را در سؤال از خودش دوست دارد، همانا خداوند ـ که یادش بزرگ است ـ دوست دارد که از او سؤال شود و آنچه نزد اوست طلب گردد.

فضیلت عالم بر عابد

«عالِمٌ یُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعینَ أَلْفَ عابِد.»: دانشمندی که از علمش استفاده شود، از هفتاد هزار عابد بهتر است.

دو خصلت عالم

«لا یَکُونُ الْعَبْدُ عالِمًا حَتّی لا یَکُونَ حاسِدًا لِمَنْ فَوْقَهُ وَ لا مُحَقِّرًا لِمَنْ دُونَهُ.»: هیچ بنده ای عالم نباشد تا این که به بالا دست خود حسد نبرد و زیر دست خود را خوار نشمارد.

سه پاداش

«مَنْ صَدَقَ لِسانُهُ زَکا عَمَلُهُ، وَ مَنْ حَسُنَتْ نِیَّتُهُ زیدَ فی رِزْقِهِ، وَ مَنْ حَسُنَ بِرُّهُ بِأَهْلِهِ زیدَ فی عُمْرِهِ.»: هر که زبانش راست است کردارش پاک است،و هر که خوش نیّت است روزی اش فزون است، و هر که با اهلش نیکی می کند به عمرش افزوده شود.

پرهیز از کسالت

«إِیّاکَ وَ الْکَسَلَ وَ الضَّجْرَ فَإِنَّهُما مِفْتاحُ کُلِّ شَرٍّ، مَنْ کَسِلَ لَمْ یُؤَدِّ حَقًّا وَ مَنْ ضَجِرَ لَمْ یَصْبِرْ عَلی حَقٍّ.»: از کسالت و تنگدلی بپرهیز که این دو کلید هر بدی باشند، هر که کسالت ورزد حقّی را نپردازد، و هر که تنگدل شود بر حقّ شکیبا نَبُوَد.

بدترین حسرت در روز قیامت

«إِنَّ أَشَدَّ النّاسِ حَسْرَةً یَوْمَ الْقِیمَةِ عَبْدٌ وَصَفَ عَدْلاً ثُمَّ خالَفَهُ إِلی غَیْرِهِ.»: پر حسرت ترین مردم در روز قیامت، بنده ای است که عدلی را وصف کند و خودش خلاف آن را عمل کند.

نتایج صله رحم

«صِلَةُ الاَرْحامِ تُزَکِّی الاَعْمالَ وَ تُنْمِی الاَمْوالَ وَ تَدْفَعُ الْبَلْوی وَ تُیَسِّرُ الْحِسابَ وَ تُنْسِیءُ فِی الاَجَلِ.»: صله ارحام، اعمال را پاکیزه گرداند و اموال را بیفزاید و بلا را بگرداند و حساب را آسان کند و اجل را به تأخیر اندازد.

نیکو گفتاری با دیگران

«قُولُوا لِلنّاسِ أَحْسَنَ ما تُحِبُّونَ أَنْ یُقالَ لَکُمْ.» به مردم بگویید بهتر از آن چیزی که خواهید به شما بگویند.

هدیه الهی

«إِنَّ اللّهَ یَتَعَهَّدُ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ بِالْبَلاءِ کَما یَتَعَهَّدُ الْغائِبُ أَهْلَهُ بِالْهَدِیَّةِ وَ یَحْمیهِ عَنِ الدُّنْیا کَما یَحْمِی الطَّبیبُ الْمَریضَ.»: همانا خداوند بنده مؤمنش را با بلا مورد لطف قرار دهد، چنان که سفر کرده ای برای خانواده خود هدیّه بفرستد، و او را از دنیا پرهیز دهد، چنان که طبیب مریض را پرهیز دهد.

راستگویی و ادای امانت

«عَلَیْکُمْ بِالْوَرَعِ وَ الاِْجْتَهادِ وَ صِدْقِ الْحَدیثِ وَ أَداءِ الاَمانَةِ إِلی مَنِ ائْتَمَنَکُمْ عَلَیْها بَرًّا کانَ أَوْ فاجِرًا، فَلَوْ أَنَّ قاتِلَ عَلِیِّ بْنِ أَبی طالِب عَلَیْهِ السَّلامُ إِئْتَمَنَنی عَلی أَمانَةٍ لاََدَّیْتُها إِلَیْهِ.»: بر شما باد پارسایی و کوشش و راستگویی و پرداخت امانت به کسی که شما را امین بر آن دانسته، نیک باشد یابد. و اگر قاتل علی بن ابیطالب(علیه السلام) به من امانتی سپرد، هر آینه آن را به او بر خواهم گرداند.

تعریف غیبت و بهتان

«مِنَ الْغیبَةِ أَنْ تَقُولَ فی أَخیکَ ما سَتَرَهُ اللّهُ عَلَیْهِ، وَ أَنَّ الْبُهْتانَ أَنْ تَقُولَ فی أَخیکَ ما لَیْسَ فیهِ.»: غیبت آن است که درباره برادرت چیزی را بگویی که خداوند بر او پوشیده و مستور داشته است. و بهتان آن است که عیبی را که در برادرت نیست به او ببندی.

دشنام گو، مبغوض خداست

«إِنَّ اللّهَ یُبْغِضُ الْفاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ.»: خداوند، دشنام گوی بی آبرو را دشمن دارد.

نشانه های تواضع

«أَلتَّواضُعُ أَلرِّضا بِالْمجْلِسِ دُونَ شَرَفِهِ، وَ أَنْ تُسَلِّمَ عَلی مَنْ لَقیتَ وَ أَنْ تَتْرُکَ الْمِراءَ وَ إِنْ کُنْتَ مُحِقًّا.»: تواضع و فروتنی آن است که (آدمی) به نشستن در آنجا که فروتر از شأن اوست راضی باشد، و این که به هر کس رسیدی سلام کنی، و جدال را وانهی گرچه بر حقّ باشی.

پاکدامنی، بهترین عبادت

«أَفْضَلُ الْعِبادَةِ عِفَّةُ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ.»: بالاترین عبادت، عفّت شکم و شهوت است.

نشانه شیعه واقعی

«ما شیعَتُنا إِلاّ مَنِ اتَّقَی اللّهَ وَ أَطاعَهُ.»: شیعه ما نیست، مگر آن که تقوای الهی داشته باشد و خدا را فرمان بَرَد.

ریشه گناه، نشناختن خداست

«ما عَرَفَ اللّهَ مَنْ عَصاهُ.»: خدا را نشناخته آن که نافرمانی اش کند.

عقل، بهترین مخلوق الهی

«لَمّا خَلَقَ اللّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قالَ لَهُ: أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ. ثُمَّ قالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قالَ: وَ عِزَّتی وَ جَلالی ما خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْکَ وَ لا أَکْمَلْتُکَ إِلاّ فیمَنْ أُحِبُّ، أَما إِنّی إِیّاکَ آمُرُ وَ إِیّاکَ أَنْهی وَ إِیّاکَ أُعاقِبُ وَ إِیّاکَ أُثیبُ.»: چون خداوند، عقل را آفرید از او بازپرسی کرد، به او گفت: پیش آی! پیش آمد. گفت: بازگرد. بازگشت. فرمود: به عزّت و جلالم سوگند، مخلوقی را که از تو به پیشم محبوبتر باشد نیافریدم. و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به طور کامل دادم. همانا امر و نهی و کیفر و پاداشم متوجّه توست.

بر اساس عقل

«إِنَّما یُداقُّ اللّهُ الْعِبادَ فِی الْحِسابِ یَوْمَ الْقِیمَةِ عَلی قَدْرِ ما آتاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِی الدُّنْیا.»: خداوند در روز قیامت در حساب بندگانش، به اندازه عقلی که در دنیا به آنها داده است، دقّت و باریک بینی می کند.

مزد معلم و متعلم

«إِنَّ الَّذی یُعَلِّمُ الْعِلْمَ مِنْکُمْ لَهُ أَجْرٌ مِثْلُ أَجْرِ الْمُتَعَلِّمِ وَ لَهُ الْفَضْلُ عَلَیْهِ، فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ مِنْ حَمَلَةِ الْعِلْمِ وَ عَلِّمُوهُ إِخْوانَکُمْ کَما عَلَّمَکُمُوهُ الْعُلَماءُ.»: آن که از شما به دیگری علم آموزد مزد او به مقدار مزد دانشجوست و از او هم بیشتر. از دانشمندان دانش فرا گیرید و آن را به برادران دینی خود بیاموزید، چنان که دانشمندان به شما آموختند.

گناه فتوا دهنده بی دانش

«مَنْ أَفْتَی النّاسَ بِغَیْرِ عِلْم وَ لا هُدًی لَعَنَتْهُ مَلائِکَةُ الرَّحْمَةِ وَ مَلائِکَةُ الْعَذابِ وَ لَحِقَهُ وِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِفُتْیاهُ.»: هر که بدون علم و هدایت به مردم فتوا دهد، فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب او را لعنت کنند و گناه آن که به فتوایش عمل کند دامنگیرش شود.

عالمان دوزخی

«مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِیُباهِیَ بِهِ الْعُلَماءَ، أَوْ یُمارِیَ بِهِ السُّفَهاءَ أَوْ یَصْرِفَ بِهِ وُجُوهَ النّاسِ إِلَیْهِ فَلْیَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النّارِ إِنَّ الرِّئاسَةَ لا تَصْلُحُ إِلاّ لِأَهْلِها.»: هر که علم و دانش را جوید برای آن که بر علما ببالد یا با سفها بستیزد یا مردم را متوجّه خود کند، باید آتش دوزخ را جای نشستن خود گیرد ؛همانا ریاست جز برای اهلش شایسته نیست.

سرنگونان جهنمی

«فی قَوْلِ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ «فَکُبْکِبُوا فیها هُمْ وَ الْغاوُنَ» قالَ: هُمْ قَوْمٌ وَصَفُوا عَدْلاً بِأَلْسِنَتِهِمْ ثُمَّ خالَفُوهُ إِلی غَیْرِهِ.»: درباره ی آیه ی شریفه «فَکُبْکِبُوا فیها هُمْ وَ الْغاوُنَ ;»یعنی: «اینها و گمراهان در دوزخ سرنگون گردند.»، فرمود: ایشان گروهی باشند که عدالت را به زبان بستایند، امّا در عمل با آن مخالفت ورزند!

غیر خدا را تکیه گاه نگیرید

«لا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللّهِ وَلیجَةً فَلا تَکُونُوا مُؤْمِنینَ فَإِنَّ کُلَّ سَبَب وَنَسَب وَ قَرابَهٔ وَ وَلیجَهٔ وَبِدْعَهٔ وَشُبْهَهٔ مُنْقَطِعٌ إِلّا ما أَثْبَتَهُ الْقُرآنُ.»: غیر خدا را برای خود تکیه گاه و محرم راز مگیرید که در آن صورت مؤمن نیستید، زیرا هر وسیله و پیوند و خویشی و محرم راز و هرگونه بدعت و شبهتی، نزد خدا، بریده و بی اثر است جز آنچه را که قرآن، اثبات کرده است. [و آن ایمان و عمل صالح است.]

نشانه های فقیه پارسا

«إِنَّ الْفَقیهَ حَقَّ الْفقیهِ أَلزّاهِدُ فِی الدُّنْیا، أَلرّاغِبُ فِی الاْخِرَهِٔ أَلْمُتَمَسِّکُ بِسُنَّهِٔ النَّبِیِّ(صلی الله علیه وآله وسلم).»: فقیه حقیقی، زاهد در دنیا، مایل به آخرت و چنگ زننده به سنّت پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) است.

شوخی بدون فحش

«إِنَّ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ یُحِبُّ الْمُلاعِبَ فِی الْجَماعَهِٔ بِلا رَفَث.»: خدای عزّوجلّ آن کس را که میان جمعی شوخی و خوشمزگی کند دوست دارد، در صورتی که فحشی در میان نباشد.

عذاب زودرس سه خصلت

«ثَلاثُ خِصال لا یَمُوتُ صاحِبُهُنَّ أَبَدًا حَتّی یَری وَ بالَهُنَّ: أَلْبَغْیُ، وَ قَطیعَهُٔ الرَّحِمِ وَ الْیمینُ الْکاذِبَهُٔ یُبارِزُ اللّهَ بِها.»: سه خصلت است که مرتکبشان نمیرد تا وبالشان را بیند: ستمکاری و از خویشان بریدن و قسم دروغ که نبرد با خداست.

مطلوب خدا

«ما مِنْ شَیْء أَفْضَلُ عِنْدَ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَنْ یُسْأَلَ وَ یُطْلَبَ مِمّا عِنْدَهُ.»: چیزی نزد خداوند عزَّوجَلّ بهتر از این نیست که از او درخواست شود و از آنچه نزد اوست خواسته شود.

پافشاری در دعا

«وَ اللّهِ لا یُلِحُّ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ عَلَی اللّهِ عَزَّوَجَلَّ فی حاجَتِهِ إِلاّ قَضاها لَهُ.»: به خدا سوگند هیچ بنده ای در دعا پافشاری و اصرار به درگاه خدای عزّوجلّ نکند، جز این که حاجتش را برآورد.

دعا کردن در سحر

«إِنَّ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ یُحِبُّ مِنْ عِبادِهِ الْمُؤْمِنینَ کُلَّ عَبْد دَعّاء فَعَلَیْکُمْ بِالدُّعاءِ فِی السَّحَرِ إِلی طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّها ساعَهٌٔ تُفْتَحُ فیها أَبْوابُ

السَّماءِ، وَ تُقْسَمُ فيهَا الاْرْزاقُ، وَ تُقْضى فيهَا الْحَوائِجُ الْعِظامُ.»: همانا خداوند عزّوجلّ از میان بندگان مؤمنش آن بنده ای را دوست دارد که بسیار دعا کند، پس بر شما باد دعا در هنگام سحر تا طلوع آفتاب، زیرا آن ساعتی است که درهای آسمان در آن هنگام باز گردد و روزی ها در آن تقسیم گردد و حاجت های بزرگ برآورده شود.

دعا برای دیگران

«أَوْ شَکُ دَعْوَةً وَ أَسْرَعُ إِجابَةً دُعاءُ الْمَرْءِ لاَخيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ.»: دعایی که بیشتر امید اجابت آن می رود و زودتر به اجابت می رسد، دعا برای برادر دینی است در پشت سرِ او.

چشم هایی که نمی گریند

«کُلُّ عَيْن باکِيَةٌ يَوْمَ الْقِيمةِ غَيْرُ ثَلاث: عَيْن سَهِرَتْ في سَبيلِ اللّهِ وَ عَيْن فاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللّهِ، وَ عَيْن غُضَّتْ عَنْ مَحارِمِ اللّهِ.»: هر چشمی روز قیامت گریان است، جز سه چشم:۱ـ چشمی که در راه خدا شب را بیدار باشد،۲ـ چشمی که از ترس خدا گریان شود، ۳ـ و چشمی که از محرّمات الهی بسته شود.

حریص همچون کرم ابریشم

«مَثَلُ الْحَريصِ عَلَى الدُّنْيا مَثَلُ دُودَةِ الْقَزِّ، کُلَّما ازْدادَتْ مِنَ الْقَزِّ عَلى نَفْسِها لَفًّا کانَ أَبْعَدَ لَها مِنَ الْخُرُوجِ حَتّى تَمُوتَ غَمًّا.»: شخص حریص به دنیا، مانند کرم ابریشم است که هر چه بیشتر ابریشم بر خود می پیچد راه بیرون شدنش دورتر و بسته تر می گردد، تا این که از غم و اندوه بمیرد.

دو رویی و دو زبانی

«بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَکُونُ ذاوَجْهَيْنِ وَ ذالِسانَيْنِ، يُطْرى أَخاهُ شاهِدًا وَ يَأْکُلُهُ غائِبًا، إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ وَ إِنابْتُلِيَ خَذَلَهُ.»: بد بنده ای است آن بنده ای که دو رو و دو زبان باشد، در حضورِ برادرش او را ستایش کند، و در پشت سر، او را بخورد! اگر دارا شود بر او حسد برد و اگر گرفتار شود، دست از یاری او بردارد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَيْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام –: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

